

## The Study of "Homay and Homayoun" and "Gol and Nowruz" with Theory of Love (John Lee)

**Abdollahzadeh, Tayebeh**

Ph.D. Candidate, Persian Language and Literature Dept., Humanities Faculty,  
Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran

**Torkamani, Vajihah**

Assistant Professor, Persian Language and Literature Dept., Humanities Faculty,  
Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran

### Abstract

There has been much debate about the nature and nature of love from the perspective of psychology. In recent decades, researchers have tried to study literary works by focusing on various theories; one of the theories in this regard is the theory of love. Is John Lee. In his theory, he compares the types of love with the original colors, and the three main styles of love are given: love to an ideal person, love as a game of love as friendship. Farsi, Kermani Khawaji in "Homay and Homayoun" and "Flower and Nowruz" poems, like other Ghanaian poets, deals with the subject of love and relationships of lover and lover; in this study, we have tried to find love in Khaju's poems with John Lee's theory of love. Examine and adapt. The main question of this research is to answer the following question: What are the characteristics of love in these two poems which correspond to the type of love in Lee's theory? The result of this study shows that love in these two love stories is characterized by John Lee's theory of love. It corresponds to being romantic and having a passionate style. Send feedback History Saved

**Keywords:** Love, Homay and Homayon, Gol and Nowruz, John Lee's Theory of Love.

**Citation:** Abdollahzadeh, T., Torkamani, V. (2021) The Study of "Homay and Homayoun" and "Gol and Nowruz" with Theory of Love (John Lee), 10 (37), 60-71. Dor: 20.1001.1.27170896.1399.10.37.10.3

### Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Studies in Lyrical Language and Literature. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقاله پژوهشی

فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات زبان و ادبیات غنایی  
گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد  
سال دهم، شماره سی و هفت، زمستان ۱۳۹۹، ص. ۶۰-۷۱

## بررسی «همای و همایون» و «گل و نوروز» بر اساس نظریه عشق جان لی

طیبه عبدالله زاده<sup>۱</sup>

وجیهه ترکمانی باراندوزی<sup>۲</sup>

### چکیده

درباره عشق و ماهیت آن از دیدگاه علم روان‌شناسی بحث‌های زیادی مطرح شده است. در چند دهه اخیر محققان کوشیده‌اند با توجه به نظریه‌های مختلف، آثار ادبی را مورد بررسی قرار دهند. یکی از نظریه‌های مطرح در این باره، نظریه عشق جان لی است. در این نظریه وی، انواع عشق را با رنگهای اصلی مقایسه کرده و سه سبک اصلی نیز برای عشق قایل شده است که عبارتند از: عشق به یک فرد آرمانی، عشق با مفهوم بازی و عشق به معنی دوستی. در بین سراینندگان آثار غنایی ادب فارسی، خواجه‌ی کرمانی در منظومه‌های «همای و همایون» و «گل و نوروز» مانند دیگر شاعران غنایی، به موضوع عشق و روابط عاشق و معشوق پرداخته است. در این پژوهش سعی شده است که عشق در منظومه‌های خواجه با نظریه عشق جان لی مورد بررسی و انطباق قرار گیرد. مسأله اصلی این تحقیق، پاسخ به این پرسش است که مفاهیم و ویژگی‌های عشق در این دو منظومه مطابق با کدام نوع عشق در نظریه جان لی است؟ نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که عشق در این دو داستان عاشقانه با نظریه عشق جان لی به لحاظ ویژگی رمانتیک بودن و برخورداری از سبک پرشور، مطابقت دارد.

کلیدواژه‌ها: عشق، همای و همایون، گل و نوروز، نظریه عشق، جان لی.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد چالوس، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد چالوس، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. (نویسنده مسئول)

torkamani.vajihe@gmail.com

تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۶/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۶

## ۱. مقدمه

آشکار است که عشق و حالات عاشقان موضوعی همگانی است و در میان جوامع و نسلها به گونه‌های متفاوت خود را نمایان می‌سازد. انسان‌ها از آغاز حیات تاکنون به نظم و نثر به زبان‌ها و شیوه‌های گوناگون، درباره عشق سخن گفته و می‌گویند، آنها در حقیقت از عشق پلی می‌سازند برای عبور از دنیای واقعی به دنیای آرزوها، رؤیاها و تخیلات.

عشق، واژه‌ای است که در دوره‌های مختلف جلوه‌های گوناگون یافته است و در منظومه‌های عاشقانه به تناسب تغییر نوع نگاه شاعران به شعر، به گونه‌ای متفاوت خود را نشان داده است. همچنین عشق به عنوان یک پدیده روانی از مباحث عمده در روان‌شناسی به شمار می‌رود و در مورد مفهوم آن دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. بالبی (۱۹۵۲) یکی از روان‌شناسان انگلیسی، عشق را به عنوان یکی از نیازهای اولیه روان‌شناختی در نظر می‌گیرد که فقدان آن به آسیب روان‌شناختی منجر می‌شود. فورهایدر (۱۹۵۸) عنوان می‌کند که عشق صرفاً دوست داشتن شدید است و تفاوت احتمالی میان آن دو وجود ندارد. رایبن (۱۹۷۰)، روان‌شناس دانشگاه هاروارد، عشق را با سه مؤلفه دلبستگی، توجه و صمیمیت معرفی کرده است.

بر اساس دیدگاه‌ها و تعاریف مختلف درباره عشق، نظریه‌های متفاوتی نیز در این زمینه یافت می‌شود. یکی از نظریه‌های مطرح در این زمینه، به جان لی، روان‌شناس انگلیسی (۱۹۷۶) مربوط است. او در ابتدا سه سبک اولیه عشق را با عنوان لودوس (برگرفته از فرهنگ رومی باستان به معنی بازی)<sup>۱</sup>، استورگ (یونانی باستان *στοργή storgē* یا عشق خانوادگی)<sup>۲</sup> و اروس (یونانی باستان *Ἔρως* خدای عشق و جنس)<sup>۳</sup> در نظر گرفت. لی همچنین، سبک‌های پراگما (عشق منطقی)، آگاپه (عشق بدون خودخواهی) و مانیا (عشق انحصارگر) را سبک‌های ثانویه عشق معرفی کرد. از نظر استرنبرگ (۱۹۴۹) نیز، عشق یک فرآیند روان‌شناختی است. او یک مدل سه وجهی ارائه نموده است که آن را مثلث عشق می‌نامند: ۱. صمیمیت (Intimacy)؛ ۲. شوریدگی (Passion)؛ ۳. تصمیم و تعهد (Decision, Hochreich) (فربخش و دیگران، ۱۳۸۵: ۱).

اریکسون (۱۹۶۸، ۱۹۸۲) عشق را به صورت دلبستگی و ایثار از سر پختگی تعریف کرده است که با تفاوت‌های اساسی، بر زنان و مردان غلبه می‌کند (سیدمحمدی، ۱۳۹۲: ۳۰۲). به گفته کرمی، فروم که به پدر عشق معروف است عشق را پاسخی به مسئله وجودی انسان می‌داند. او عشق را چنین تعریف می‌نماید: «عشق رغبت جدی به زندگی و رشد و پرورش آنچه به آن مهر می‌ورزیم، است. دلسوزی، احساس مسئولیت، احترام و شناخت، با هم مرتبط هستند و جوانب مختلف عشق را مهیامی کنند» (کرمی، ۱۳۸۶: ۳۹-۴۰).

عشق و داستان‌های عشقی، همواره در ادبیات فارسی از جایگاه خاصی برخوردار است و علاوه بر قالب غزل و بخش تغزل قصاید، این مفهوم در منظومه‌های عاشقانه سراینندگان بزرگ نظیر فخرالدین اسعد گرگانی، نظامی گنجه‌ای و خواجوی کرمانی، در قالب شعری مثنوی نیز سروده شده‌اند. از جمله این منظومه‌ها، دو مثنوی «همای و همایون» و «گل و نوروژ» هستند که در بردارنده مضامین عاشقانه درخور توجهی است که سبب شده حوادث و اتفاقات قابل بررسی در این داستان‌ها رقم بخورد.

سراینده این مثنوی‌های عاشقانه، کمال الدین ابوعطا محمود بن علی بن محمود کرمانی، متخلص به خواجو، معروف به نخلبند شعرا، متولد کرمان در سال ۶۹۸ ه. ق. است (سبحانی، ۱۳۸۲: ۴۲). گفتنی است که مجموعه آثار خواجو «قریب چهل و چهار هزار بیت است و دیوانش شامل دو بخش صنایع الکمال و بدایع الجمال است. دیگر آثار او عبارتند از: کمال نامه، روضه الانوار، گوهرنامه، سام نامه. گزیده اشعارش به نام مفاتیح القلوب است. البته وی دو رساله دیگر به نامهای «سبع المثنای» و «مناظره شمس و سحاب» دارد. وفاتش در شیراز در سال ۷۵۳ ه. ق. واقع شده و آرامگاهش در شیراز در بیرون دروازه الله اکبر است (صفا، ۱۳۷۲: ۴۴-۴۸).

از آنجا که مفاهیم عاشقانه در ادبیات غنایی پررنگتر از سایر مضامین و به شکلی زیبا و هنرمندانه به تصویر کشیده شده‌اند، می‌توان اشاره کرد که: «همای و همایون» و «گل و نوروز» خواجه‌ی کرمانی نیز عاشقانه‌هایی شورانگیز در این زمینه هستند. از دیگر سو با توجه به ارتباط بین عشق و نظریه‌های مربوط به آن؛ پرداختن به این منظومه‌های عاشقانه در این زمینه باعث شناخت هرچه بیشتر مفهوم عشق و انواع آن می‌شود.

در این تحقیق کوشش می‌شود مضمون عشق در منظومه‌های «همای و همایون» و «گل و نوروز» با نظریه عشق از دیدگاه جان لی انطباق داده شود.

## ۱-۱. بیان مسأله

مفهوم عشق، یکی از بن‌مایه‌های اصلی ادبیات غنایی است که گستره وسیعی از منظومه‌های عاشقانه را به خود اختصاص داده است و امروزه نیز در بررسی‌های روان‌شناسانه از جنبه‌ها و دیدگاه‌های مختلف مورد توجه پژوهشگران است. در این مقاله سعی شده است تا به این سؤالات پاسخ داده شود که نوع عشق در منظومه‌های «همای و همایون» و «گل و نوروز» چیست؟ و در کدام مورد با نظریه عشق جان لی قابل بررسی است؟

## ۱-۲. پیشینه تحقیق

بحث اصلی در این پژوهش، بررسی نوع عشق در منظومه‌های مورد تحقیق با نگاه به نظریه جان لی است. محققان زیادی در مقالات خود به مسأله عنصر عشق با توجه به نظریه‌های مختلف روان‌شناسان پرداخته‌اند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود.

نظری و کمالی (۱۳۹۴) «عشق از دیدگاه سعدی و اریک فروم»، به مقایسه تحلیلی میان دیدگاه سعدی در غزلیات راجع به عشق با دیدگاه اریک فروم، روان‌شناس معاصر، پرداخته‌اند.

عبدی و گلزاری (۱۳۸۹)، در مقاله «ارتباط میان سبک‌های عشق و ویژگی‌های شخصیتی»، به بررسی رابطه عشق و شخصیت می‌پردازند و نظریات روان‌شناسانی مانند جان لی را نیز در این مورد مطرح می‌کنند.

هاشمی و رشیدی آشجودی (۱۳۹۵) «بررسی مؤلفه‌های عشق کامل از دیدگاه استرنبرگ در غزلیات سعدی» به دیدگاه استرنبرگ، روان‌شناس آمریکایی، در مورد عشق پرداخته، سپس با توضیحاتی در مورد مفهوم عشق در غزلیات سعدی، اشعار او را مورد بررسی قرار داده‌اند.

خلیل الهی و برج‌ساز (۱۳۹۵) «بررسی عشق در خسرو و شیرین نظامی براساس دیدگاه‌های گیدنز، دانینو و ایوانز» به بررسی عشق در داستان خسرو و شیرین نظامی بر اساس دیدگاه‌های گیدنز، دانینو و ایوانز پرداخته‌اند.

## ۲. بحث

### ۱-۲. نظریه جان لی درباره عشق

روان‌شناسان مختلف هر یک دیدگاهی خاص و تعریفی ویژه از عشق داشته‌اند، از این‌رو نظریه‌های مختلفی در این زمینه ارائه داده‌اند که در بعضی زمینه‌ها به هم شبیه هستند. از میان انواع این نظریه‌ها یکی نظریه جان لی (۱۹۷۳ میلادی) است که مورد توجه محققان بسیاری قرار گرفته است. او عشق را به شش گروه طبقه‌بندی می‌کند:

۱. عشق رمانتیک (Eros): یک تجربه عاطفی تحلیل برنده، جاذبه‌ای نیرومند نسبت به یک فرد می‌باشد.
۲. عشق رفاقتی (Storg): یک حالت صمیمی و تسلی بخش که به کندی صورت می‌گیرد و دربرگیرنده مشارکت و خودفاش سازی تدریجی است.

۳. عشق بازیگرانه (Ludus): عشقی بر پایه تفریح و سرگرمی و بدون تعهد و اعتقاد است. این نوع عشق بسیار کوتاه مدت است و همانند باد شمال سریع به انتها می‌رسد.

۴. عشق شهوانی (Mania): عشق شدید و حسادت آمیز از نظر عاطفی که توسط فردی پریشان، برانگیخته و مضطرب که همیشه ترس از مطرود شدن دارد، اعمال می‌شود.

۵. عشق واقع‌گرایانه (Pragma): عشقی منطقی بر اساس انتخاب یک شریک جنسی ارضاکنده نیازهای واقعی و عملی است. پیوندی است که بر پایه سن، مذهب، سابقه، شخصیت طرفین و رضایت بیشتر از هیجان نمایان است.

۶. عشق نوع دوستانه (agape): نوعی عشق غیرشرطی حاکی از گذشت، بخشش و مراقبت از طرف مقابل است و انتظار مقابله به مثل وجود ندارد (صادقی، ۱۳۹۰: ۴۱).

شایان ذکر است، عبدی و گلزاری (۱۳۸۹) معتقدند که لی سبک‌های عشق را به طیف گسترده‌ای از رنگ‌های اصلی و ثانوی تشبیه می‌نماید. بنابراین عشق به دو طیف اولی و ثانوی تقسیم می‌گردد که سبک‌های عشق اولی با یکدیگر ترکیب شده و رنگ‌های مکمل را به وجود می‌آورند. سبک‌های عشق اولی در واقع شامل عشق‌های پرشور، عشق نمایشی و عشق دوستانه است.

عشق پرشور: شامل جذابیت بدنی و عاطفی شدید.

عشق نمایشی: شامل عشق نمایشی که نمایش عشق را بازی می‌کند.

عشق دوستانه: عشقی مبتنی بر دوستی است (عبدی و گلزاری، ۱۳۸۹: ۵۷).

عشق‌های ثانوی نیز از ترکیب سه عشق پرشور، نمایشی و دوستانه، تشکیل یافته است و به سه نوع تقسیم می‌گردد:

۱. **عشق منطقی:** از سبک عشق نمایشی و سبک عشق دوستانه ترکیب شده است. افراد دارای این نوع عشق ارزیابی معقولی از یکدیگر انجام می‌دهند و همانند یک زوج مناسب به آن نیازمند هستند.

۲. **عشق وابسته و سواسی:** ترکیبی از عشق پرشور و سبک عشق نمایشی است که لازمه انحصار با سواس و اضطراب و رفتارهای پرشور است. این عشق شامل مسائل جنسی است. افراد برخوردار از این نوع عشق معمولاً مضطرب و ناایمن هستند، حسود است و به صورت افراطی به درمان پاسخ می‌دهند و از این سبک عشق ورزی رهایی می‌یابند. ویژگی آنها حسادت، سواس و سیری ناپذیری است، عزت نفس پایین دارند و به روابطشان اهمیت زیادی می‌دهند. این گونه افراد به معشوق نیاز دارند و به طور اتفاقی معشوقشان را می‌یابند. این سبک از عشق از رایج‌ترین سبک عشق است که در نوجوانی و اوایل بزرگسالی بیشترین بسامد را دارد معادل عشق‌های آتشین دوران جوانی است که در مدارس و دانشگاه و در کل جامعه شاهد آن هستیم (همان: ۵۸-۵۷).

۳. **عشق ایثارگرانه:** ترکیبی از عشق پرشور و سبک عشق دوستانه است. این عشق بشر دوستانه، ایثارگرانه و دارای جنبه رفافتی شدید است. به اعتقاد لی، این عشق با ایدئولوژی مسیحی هماهنگ می‌باشد. عشق ایثارگرانه، قربانی و محاصره کردن تمام عیار خود است. افراد دارای عشق ایثارگرانه گرایش‌های معنوی دارند و معشوقشان را به عنوان قدیس تلقی می‌کنند به گونه‌ای که در خدمتش باشند. البته دست آخر این عاشقان در می‌یابند که از آنها سوء استفاده شده، حالت پیشرفته این نوع عشق، با بخشندگی همراه است (همان: ۵۸).

در نظریه جان لی که تحت عنوان «منشور عشق» شناخته شده، به صورت مستقیم به عناصر عشق توجه نشده است؛ زیرا رویکرد وی گونه کیفی و توصیفی عشق را در نظر می‌گیرد. وی اعتقاد دارد که در مفهوم‌سازی عشق ویژگی‌های عاشق و معشوق نمی‌توانند معیار تعیین‌کننده ماهیت عشق باشند، بلکه روابط بین فردی و تعاملات بین عاشق و معشوق است که نوع عشق و ماهیت آن را تعیین می‌کند. عناصر اصلی عشق را می‌توان در سه رنگ اصلی قرمز، زرد و آبی در نظر گرفت که تلفیق آنها، نه رنگ فرعی را به وجود می‌آورد. شش رنگ عشق عبارتند از: ۱. عشق رمانتیک یا اروس به رنگ قرمز (یک تجربه هیجانی تحلیل‌رونده و یک قدرت بلافصل جذابیت فیزیکی به شخص)، ۲. عشق تفننی یا لودوس به رنگ زرد (عشق

بدون تعهد یا عشقی کم دوام)، ۳. عشق همدلانه یا استورگ به رنگ آبی (یک صمیمیت ساده که به آرامی رشد می‌یابد و شراکت متقابل را درگیر می‌سازد)، ۴. عشق تملک‌گرایانه یا مانیا به رنگ نارنجی (اشتیاق هیجانی توأم با حسادت، عشق و سواسی)، ۵. عشق واقع‌گرایانه یا پراگما به رنگ سبز (عشق منطقی که نیازهای شخص را ارضا کند)، ۶. عشق ایثارگرایانه یا آگاپه به رنگ بنفش (عشق نامشروط با علاقه‌مندی توأم با بخشیدن، عشق ایثارگرانه) (کامکاری، ۱۳۸۸: ۶۸).

## ۲.۲. بررسی عشق در منظومه «همای و همایون» و «گل و نوروز» بر اساس نظریه جان لی

همای و همایون مثنوی عاشقانه‌ای است درباره عشق همایون به همای، دختر فغفور چین، به بحر متقارب که خواجه آن را در سال ۷۳۲ (ه.ق.) در ۴۴۰۷ بیت به اتمام رسانیده است. در این منظومه گذشته از نظامی، تأثیر سبک شاهنامه نیز کاملاً محسوس است (رضازاده، ۱۳۶۹: ۳۸۳).

گل و نوروز مثنوی‌ایست بر وزن خسرو و شیرین حکیم نظامی به بحر هزج مسدس محذوف یا مقصور در عشق شاهزاده‌ای نوروز نام با گل دختر پادشاه روم است. این مثنوی نظیره‌ای در برابر خسرو و شیرین نظامی است. این مثنوی ترجمه‌ای از اصل هندی است که برخی محققان تعداد ابیات این مثنوی را در حدود ۲۵۰۰ بیت حدس زده‌اند (سهیلی، ۱۳۶۹: ۷۵). برخی دیگر مانند صفا، ۵۳۰۲ بیت بیان کرده‌اند (صفا، ۱۳۷۸، ج ۳: ۸۹۹). در مجموع این داستان بازآفرینی و نظم روایتی کهن بوده است. همان گونه که خواجه خود در آغاز داستان تصریح می‌کند این منظومه به لفظ هندی بوده و اصل آن را داستان‌پردازان بابل ترتیب داده‌اند:

به بابل سحرسازانی که بودند به گاه باستان این در گشودند

(خواجوی کرمانی، ۱۳۶۹: ۴۸۸)

خواجه در این دو منظومه به عشق که از اساسی‌ترین عواطف انسانی است توجه داشته است، بر همین اساس مخاطب نیز با صحنه‌هایی روبه‌رو می‌شود که منشاء آن عواطف و احساسات شخصیت‌های داستان است. «بن‌مایه‌های این داستان نیز، شباهت آن را به داستان‌های عامیانه نشان می‌دهد؛ مثل بی‌فرزندی، نسبت شاهانه، شکار، شنیدن وصف معشوق و عاشق شدن (عشق از راه گوش)، شرط‌گذاری برای عقد، کشتن ازدها، یک بار بیرون آمدن معشوق در سال، به خواب دیدن دو مرغ بهشتی، عشق‌های حاشیه‌ای، نیرنگ، جادو، زهر دادن، دیدار با کشیش و راهب، سفر، گرفتاری به دست دزدان، کشتن غلام غول‌پیکر، دفاع از کشور معشوق، حضور رقیب، بالباس مبدل و نهانی به خوابگاه معشوق رفتن» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۶۹۱). با توجه به آنچه گفته شد، هدف ما در این پژوهش این است که نشان دهیم عشق به کار رفته در دو منظومه «همای و همایون» و «گل و نوروز» خواجوی کرمانی منطبق با کدام نوع عشق از دیدگاه جان لی است و چه رنگی دارد؟

لحن زیبا و کلام دلنشین خواجه در «همای و همایون» و نیز «گل و نوروز» گیرایی و جاذبه فراوانی دارد. از آنجا که این دو منظومه، سرشار از مضامین عاشقانه و همه، توصیف عشق و شور مستی است و عشق جسم و روان عاشق دلباخته را دربر می‌گیرد؛ با عشقی کاملاً جسمانی مواجهیم که دربردارنده مقداری هوس است.

بررسی هر دو داستان براساس تئوری جان لی در جدول زیر نشان داده می‌شود:

رفاقتی (storge)	طبق روند داستان، دوستی و رفاقت منجر به این عشق نشده است.
بازیگرانه (ludus)	تنها در یک مورد آن هم در ماجرای فرعی برای همایون اتفاق افتاد.
شهوانی (mania)	با آنکه دارای مقداری هوس است، تنها به قصد لذت زودگذر و شهوانی نبوده است.
واقع‌گرایانه (pragma)	پراگما پیوندی است برپایه سن، مذهب، سابقه، شخصیت طرفین و نیز رضایت که بیشتر از هیجان نمایان است، اما در این داستان‌ها هیجان به خوبی نمایان شده است.
آگاپه (agape)	ویژگی مهم آن بخشش بدون انتظار پاسخ است که در داستان این عشق رنگی ندارد.
رمانتیک (Eros)	یک تجربه عاطفی که جاذبه‌ای نیرومند از سوی همای و نوروز نسبت به همایون و گل است

در حقیقت عشق در «همای و همایون» و «گل و نوروز» با زیبایی سر و کار دارد که در این عشق به زیبایی، همواره میل به دیدار وجود دارد؛ در واقع یک تجربه عاطفی که منطبق با نظریه جان لی؛ یعنی عشق رمانتیک (Eros) است. به همین خاطر در این بخش از مقاله با نگاه به عشق رمانتیک به مواردی از این نوع عشق در دو مثنوی همای و همایون و همچنین گل و نوروز اشاره می‌شود:

### ۲-۲-۱. عشق رمانتیک

یکی از انواع عشق که در روان‌شناسی مطرح است، نظریه عشق رمانتیک است. این نظریه که ناتانیل براندن، روان‌شناس کانادایی، مطرح کرد از ترکیب دو عنصر صمیمیت و شور و شهوت به وجود می‌آید. یکی از ویژگی‌های عشق رمانتیک، آن است که عاشق به طور کامل - جسمانی و روحانی - تسلیم معشوق است. البته هر عاشقی ممکن است به هر نوعی که شده بتواند از تسلیم اراده خود به معشوق خودداری کند، ولی آنچه مهم است، احساس تسلیم و واگذاری خویشتن از سوی عاشق است؛ هرچند اراده شخص، او را از تسلیم بازدارد یا ندارد، تسلیم در اینجا، نوعی تسلیم باطنی است و در اعماق وجود ما صورت می‌گیرد نه در سطح اراده ما (اورنگای گاست، ۱۳۸۹: ۱۹۷). در عشق رمانتیک، ترکیب دو عنصر شیفتگی و تسلیم، امری بنیادی و اصلی است. این شیفتگی و دل‌باختگی است که عاشق را از خود رها می‌سازد و تسلیم معشوق می‌کند.

در مثنوی‌های عاشقانه مورد مطالعه نیز آنچه بیشتر سبب می‌شود تا عشق رنگی از جنس رمانتیک داشته باشد، عشق به زیبایی و عشق در یک نگاه است که در این جا به آن پرداخته می‌شود.

### ۲،۱،۲،۲. عشق به زیبایی

جمال و زیبایی از یک طرف، عشق و طلب و حرکتی که از این زیبایی و عشق ایجاد می‌شود از سویی دیگر، با یکدیگر توأمند. زیبایی معشوق جاذبه ایجاد می‌کند و این خود حرکت و جنبش از سوی عاشق می‌آفریند و عشق را می‌سازد. این عشق به زیبایی، خود از ویژگی‌های عشق رمانتیک است. درست همانند عشق به زیبایی همایون و گل که در منظومه‌های مورد بحث، عنصر اصلی طلب و حرکت در وجود همای و نوروز بوده است:

به در یای عشق تو دردا نه دل ز زنجیر زلف تو دیوانه دل  
چو در دستم آن زلف سرکش فتاد ازو جان من در کشاکش فتاد  
(خواجوی کرمانی، ۱۳۷۰: ۳۵۸)

و از سویی دیگر نوروز، مرغ دلش هوایی شده و از دست می‌رود:

بهشتی پیکری حورا سرشت است و یا سروی ز بستان بهشت است  
به پرواز آمدش مرغ دل مست هوایی گشت و شد یک باره از دست  
(همان: ۶۳۴)

### ۲،۱،۱،۲. عشق در یک نگاه

عشقی است که در لحظه‌ای که فرد برای اولین بار با فردی تماس می‌گیرد به وجود می‌آید. از این عشق به مراتب در داستان‌ها و ادبیات یاد شده است و به "love at first sight" معروف است (احمدی، ۱۳۸۴: ۲۲). در واقع عشق در یک نگاه، احساسی است که ممکن است افراد زیادی آن را تجربه کرده باشند؛ یعنی دیدن یکباره فرد و تلاقی نگاه‌ها که معمولاً بعد از اولین برخورد و دیدار با معشوق، عاشق او می‌شوند.

در همای و همایون و گل و نوروز نیز عشق در یک نگاه اتفاق می‌افتد که سرآغاز تغییر جریان عادی زندگی به سمت اتفاقات و هیجانات مختلف می‌شود؛ ولی آنچه این عشق را جذاب‌تر می‌کند این است که هم همای و هم نوروز پیش از آنکه برای اولین بار معشوق را ببینند یا تصویر او را دیده‌اند (همای و همایون) و یا حکایتی از او شنیده‌اند (گل و نوروز) که به آن اشاره می‌کنیم:

<p>جهانگیر کشمیری، حکایت گل دختر قیصر روم را برای نوروز تعریف می‌کند و اشاره می‌کند، گل دختری زیباست که تنها سالی یکبار و آن هم در اولین روز سال نو خود را به مردم می‌نماید. او خواستگاران و دلدادگان بسیاری دارد ولی قیصر، به دلیل علاقه فراوان به دخترش، شرط کشتن ازدهایی خطرناک که مردم رومی بسیاری را نابود کرده است، برای داماد آینده‌اش گذاشته است. نوروز با شنیدن این سخنان دل به عشق گل می‌دهد:</p> <p>چو نوروز این حدیث آمد به گوشش      برفت از دل به یک ره صبر و هوشش هوای گل زد آتش در درونش      به جوش آمد بسان لاله خونش</p> <p>(خواجوی کرمانی، ۱۳۷۰: ۵۰۰)</p>	<p>حکایت گل</p>
<p>گل زیبارو در بارگاه قیصر، در جریان کشتی گرفتن نوروز با شبل زنگی در یک نگاه عاشق و شیفته این شاهزاده جوان می‌شود. دایه گل این خبر را به نوروز می‌رساند و می‌گوید:</p> <p>گل گلچهر سوسن بوی گلرنگ      به بام آورده بود از حجره اورنگ تماشا را گشوده نرگس مست      به زور بازویش افکندی از دست</p> <p>(همان: ۶۲۶)</p>	<p>نخستین دیدار (گل)</p>
<p>همایون نیز اولین بار در بارگاه فغفور چین همای را دیده و عاشق و دلباخته او می‌شود؛ پس از اندکی که شاهزاده همای مهمان پدر همای می‌شود، پری‌زاد از همایون می‌خواهد که پنهانی بر طارمی بنشینند تا همای را به او نشان دهد، همایون با دیدن او دلش در آتش عشق می‌افتد.</p> <p>همایون چو آن لاله رخ را بدید      چو لاله دل خسته در خون کشید رخش دید و از دل در آتش فتاد      چو شمع از غمش دل بر آتش نهاد</p> <p>(همان: ۳۵۷)</p>	<p>نخستین دیدار (همایون)</p>
<p>همای برای اولین بار در بارگاه فغفورچین، همایون را نه به صورت تصویر که در اقامتگاه پری دیده بود؛ بلکه واقعی می‌بیند و در همان نگاه اول باز دل از دست داد و شیفته او می‌شود؛ ناگاه بتی چون ماه در کنار پری‌زاد نمایان می‌گردد، که البته همای می‌فهمد که آن گل‌چهره کیست، از حال می‌رود و چون به هوش آمد، کسی را در کنار خود نمی‌یابد.</p> <p>ز ناگه پدید آمد از پیش طاق      بتی چون مه از لاجوردی رواق... چو چشمش بر آن حور پیکر فتاد      چو سیمین ستونی ز پا درفتاد</p> <p>(همان: ۳۴۳-۳۴۴)</p>	<p>نخستین دیدار (همای)</p>
<p>همای زمانی که به اقامتگاه پری وارد می‌شود، در آن جا دیبایی زرنگار می‌یابد که تصویر پیکری پری‌چهره بر آن نگاشته شده بود. پریه او سفارش می‌کند که به آن پیکر با دیده باطن در آن بنگرد نه با چشم ظاهر». همای در آن نقش خیره می‌شود. پس از می‌عشق مست گشته و از پای می‌افتد، ندای سروشی به گوشش می‌گوید ای کسی که دین و دل از دست داده‌ای از دل گذر کن تا به دلبر رسی، رنج سفر بر خود هموار کن تا به او رسی. چون شهزاده سر بلند می‌کند، نه گلزار می‌بیند و نه قصر، اما فقط آتش عشق است که به جانش افتاده و سر تا پایش را در کام خود فرو کشیده است:</p> <p>همای اندران نقش حیران بماند      بران صورت از دیده گوهر فشاند چنان از می‌عشق سرمست شد      که از پا درافتاد و از دست شد</p> <p>(همان: ۲۹۰)</p>	<p>تصویر همایون</p>



با آنکه عشق رمانتیک در هر دو داستان به خوبی و به طرز پرشور جریان دارد، وجود یک عشق بازیگرانه را نمی‌توان نادیده گرفت که در این جا به آن می‌پردازیم:

### ۲،۲،۲. عشق بازیگرانه (Ludus): بدون تعهد و گذرا

مطالعه همای و همایون و همچنین گل و نرروز نشان می‌دهد که عشق بازیگرانه تنها در یک مورد آن هم برای همای در یک جریان فرعی اتفاق می‌افتد و آن هنگامی است که شاهزاده همای در بند گرفتار شده، بر درد گران خود می‌گرید که ناگاه دختری چون ماهی فروزنده، به زندان او وارد می‌شود، وی را ثنا گفته، بند از دست و پایش می‌گشاید؛ دختر خود را سمن‌رخ، دختر سهیل جهانسوز، معرفی می‌کند و چنین می‌گوید:

دلم مدتی شد که صید تو شد      چو آهو گرفتار قید تو شد  
(همان: ۳۶۸)

سمن رخ علاقه خود را به شاهزاده همای آشکارا به زبان می‌راند و چنین می‌گوید:

تو دانم که با من نیایی بسی      که همچون همایون نیایی کسی  
ولیکن چو می‌سوزم ای دلفروز      چه باشد که با من بسازی سه روز  
(همان: ۳۶۸)

سمن‌رخ پس از سه روز می‌گساری و خلوت، یک دست سلاح و ابزار جنگی کامل و اسبی بادپا و تندرو به همای می‌بخشد و او را ترک می‌کند:

از آن پس ملک را مه خوش خرام      بیاورد دستی سلاح تمام  
دگر بادپایی چو ابر بهار      نوندی زمین کوب دریاگذار  
(همان: ۳۶۹)

### ۳،۲،۲. عشق پرشور

عشق شورانگیز، عشقی است که «دیگری را از بین همه مردم بیرون می‌کشد و با این کار، دیگری را به صورت شخصی کاملاً معین در می‌آورد» (باومن، ۱۳۸۴: ۴۷). داستان عاشقانه همای و همایون این ویژگی را در خود دارد و البته این ویژگی در گل و نرروز نیز دیده می‌شود. در این حالت عاشق، دیگر تنها خود را نمی‌بیند بلکه دیگری نیز به اندازه خود او اهمیت پیدا می‌کند.

عشق پر شور، جزیی از تمام احساسات و اتفاقاتی است که پیرامون قصه‌های عاشقانه رمانتیک به تصویر کشیده می‌شود. جذبه عاطفی شدید، جذبه جسمانی و نیز عیش با معشوق از همین نوع است.

### ۱،۳،۲،۲. عیش با معشوق

عشق پرشور در داستان‌های عاشقانه همواره با عیش کردن با معشوق در موازات و همراه یکدیگر دیده می‌شود. یکی از جذابیت‌های عشق همای و همایون، عیشی است که به ماجرای بیقراری همای برای وصال به همایون و ترک شکارگاه از سوی همای مربوط است. طی داستان به همای خبر می‌دهند که شاه عزم شکار دارد، درنگ مکن و به درگاه شاه روی آور. همای هنگام حرکت به سوی شکارگاه، ناگاه کوبه همایون را می‌بیند و چون عشق سر می‌جنباند از حرکت باز می‌ماند، نقیبان که بر سرش بانگ می‌زنند به ناچار به راه خود ادامه می‌دهد، ولی همین که از حضور دختر فغفور در حوالی شکارگاه به قطع و یقین اطمینان حاصل می‌کند، خود را به مریضی می‌زند و با اظهار درد شکم اجازه بازگشت می‌گیرد و از آن جا یک‌راست به دیدار همایون می‌شتابد. این بار برای دیدار با همایون ناگزیر پاسبان مست و چوبک به دست

سراپرده او را بی جان می کند و به نزدیک پرده سرا می شتابد. همایون به محض دیدن همای به بام شبستان می رود، پری زاد، خواهر همایون، همای را به ایوان می آورد و آن دو تا صبح در کنار هم به میگساری و عیش می پردازند:

ز گلشان شبستان گلستان شده ز رخشان همه کاخ رخشان شده  
برین گونه تا صبحدم دم زدند به می خاک در چشم زمزم زدند  
(خواجوی کرمانی، ۱۳۷۰: ۳۶۱)

همچنین رفتن همای به باغ و عشق باختن با ریاحین به یاد همایون نمونه دیگری از این نوع عشق است:

گهی طعنه بر جعد سنبل زدی گهی خنده بر طلعت گل زدی  
که هرگز نیندارم از رنگ و بوی که این همچو زلفش بود و آن چو روی ...  
چو خالی نمی بودش از درد دل برین گونه مشغول می کرد دل  
(همان: ۳۰۲)

سخن گفتن شاهزاده همای با شمع و زاری کردن با او نیز مصداق دیگر است:

چو پروانه افتاده در پای شمع ز سوز ندگی مرده همتای شمع  
ز بس کز دل خسته آتش فروخت برو شمع سوزنده را دل بسوخت  
(همان: ۳۴۷)

### ۲،۳،۲،۲. جذبۀ جسمانی

دقت در داستان همای و همایون و همچنین گل و نوروز نشان می دهد که وقتی آنها برای اولین بار عاشق شدن را تجربه می کنند، عشق با مجذوبیت شروع می شود و شور و مجذوبیتی که در ابتدا عاشق در ارتباط با معشوق احساس می کند بسیار دلنشین و دلرباست که به زیبایی تمام به نمایش گذاشته شده است:

دو چشمش دو هاروت جادو فریب ر بوده ز جادوی بابل فریب  
کشیده کمان بر قمر ابروش ستاده پریزاد در پهلوش  
(همان: ۳۴۳-۳۴۴)

گل نیز مانند همایون از زیبایی قابل توجه و جذبۀ جسمانی برخوردار است.

گلش از چشمه حیوان سر شتست تو پنداری گلستان بهشتست  
گلش نام و گلش رنگ و گلش روی گلش اندام و گلش کوی و گل بوی  
(همان: ۴۹۸)

### ۳،۳،۲،۲. جذائیت عاطفی شدید

احساس پر از شور و شوق که در هر دو داستان دیده می شود و تمامی زندگی عاشق را در تصرف خود در می آورده است.

جاذبه ای قوی که همای را نیز به شدت تحت تأثیر قرار داده و با شور و اشتیاق فراوان به سمت همایون می کشاند:

ز سودای جانان فغان در گرفت دل از جان شیرین خود برگرفت  
زسوز جگر آتشی برفروخت نهم اطلس سبز چرخ بسوخت  
(همان: ۳۴۴)

و حس شیفتگی بالای نوروز را به نمایش می گذارد:

دلش مانند بلبل کرد پرواز برآورد از درون پرده آواز  
 برفت از سر هوای بوستانش فرامش گشت یاد دوستانش  
 (همان: ۵۰۰)

با بررسی هر دو داستان در ارتباط با نظریه جان لی، مشخص می‌شود که عشق با جلوه‌ای رمانتیک؛ نخست با مشاهده تصویری از معشوق در برابر عاشق شکل می‌گیرد و پس از مدتی آن تصویر، به صورت واقعی نمایان می‌شود که به دنبال آن رابطه عشقی محکم‌تر و پایدارتر می‌گردد. طبیعی است که جاذبه جنسی نیز در همان سطوح اولیه روی دهد و عاشق هرچه در معشوق ببیند مثبت و دوست داشتنی باشد. لذا هرچه معشوق به ویژگی‌های مورد علاقه عاشق نزدیک‌تر می‌گردد، عشق نیز پررنگ‌تر می‌شود. بر همین اساس باید گفت نوع عشق در این دو داستان عشق رمانتیک بوده که مطابق با نظر جان لی به رنگ قرمز است.

### ۳. نتیجه‌گیری

بررسی دو داستان «همای و همایون» و «گل و نوروز» خواجه کرمانی و روایت‌های عاشقانه شکل گرفته پیرامون شخصیت‌های داستانی آن نشان می‌دهد که خواجه در مورد روابط عاشقانه در اشعار خود عشقی را عنوان می‌کند که در آن صمیمیت همراه با احترام و نیز جذابیت‌های احساسی و عاطفی بدون احساس گناه دیده می‌شود. اما جنبه رمانتیک این نوع عشق که سرشار از جاذبه و شور است، بیش از هر مؤلفه دیگری در اشعار خواجه خود را نشان می‌دهد و شاید حضور همین مؤلفه رمانتیک است که اشعار عاشقانه خواجه را چنین دلنشین می‌کند.

به هر حال این همان چیزی است که از نظر جان لی جاذبه‌ای نیرومند نسبت به یک فرد می‌باشد. پس، با توجه به اینکه مؤلفه عشق رمانتیک در داستان‌های عاشقانه نسبت به دیگر انواع عشق در نظریه جان لی پررنگ‌تر به چشم می‌خورد، می‌توان نتیجه گرفت عشق در اشعار خواجه با این نوع عشق در نظریه جان لی مطابقت دارد.

### پی‌نوشت

1. Oxford Latin Dictionary (Oxford: Clarendon Press, 1982, 1985 reprint), pp. 1048–1049.
2. Walter Hooper, C. S. Lewis: A Companion & Guide (1996) p. 369-70
3. Larousse Desk Reference Encyclopedia, The Book People, Haydock, 1995, p. 215.

### منابع

۱. احمدی، محمد علی (۱۳۸۴)، عشق، مفاهیم علمی و اجتماعی، تهران: آستان، چاپ دوم.
۲. اورنگای گاست، خوزه (۱۳۸۹)، درباره عشق، ترجمه سیدمهدی ثریا، تهران: جوانه رشد، چاپ دوم.
۳. باومن، زیگمونت (۱۳۸۷)، عشق سیال، در باب ناپایداری پیوندهای انسانی، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.
۴. ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۳)، یکصد منظومه عاشقانه فارسی، تهران: چرخ.
۵. رضازاده، شفق (۱۳۶۹)، تاریخ ادبیات ایران، تهران: آهنگ.
۶. خواجه کرمانی، محمود بن علی (۱۳۸۷)، روضه الانوار، تصحیح محمود عابدی، تهران: میراث مکتوب.
۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۹)، دیوان خواجه کرمانی، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: پازنگ، چاپ دوم.
۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۰)، خمسه خواجه کرمانی، به تصحیح سعید نیاز کرمانی، تهران: نقش جهان.
۹. سبحانی، توفیق (۱۳۷۹)، تاریخ ادبیات ۲، تهران: پیام نور، چاپ سوم.
۱۰. صفا، ذبیح الله (۱۳۷۲)، تاریخ ادبیات ایران، جلد ۴/۳/۲، تهران: فردوسی.

۱۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸). تاریخ ادبیات در ایران، تهران: فردوس، چاپ یازدهم.
۱۲. صادقی، اکرم (۱۳۹۰)، مقایسه سبکهای دلبستگی ابعاد عشق در نوجوانان و فاقد رابطه با جنس مخالف در دانش آموزان دبیرستانهای شهرکرد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی.
۱۳. عبدی، حمزه؛ گلزاری، محمود (۱۳۸۹)، «ارتباط میان سبکهای عشق و ویژگیهای شخصیتی، روان شناسی و دین، سال سوم، شماره سوم، صص ۵۳-۷۴.
۱۴. فرحبخش، کیومرث؛ شفیع آبادی، عبدالله (۱۳۸۵)، «ابعاد عشق ورزی براساس نظریه سه بعدی عشق در چهار گروه زوجهای در مرحله نامزدی، عقد، ازدواج و دارای فرزند»، دانش و پژوهش در روانشناسی، شماره ۳۰، صص ۱-۲۰.
۱۵. فیست، جس، گریگوری جی (۱۳۹۲)، نظریه های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: نشر روان.
۱۶. کامکاری، کامبیز (۱۳۸۸)، روان شناسی عشق، تهران: بال.
۱۷. کرمی، ابوالفضل، علایی کلجاهی پروانه (۱۳۸۶)، مقیاس قصه عشق بر اساس نظریه عشق به مثابه یک داستان رابرت جی استنبرگ، تهران: روان سنجی.

- Bugay, A. & Tezer, E. (2000). Attachment Styles and Loving Attitudes among Turkish University Students, Middle East Technical University, Ankara, Turkey.
- Diech, J. (1978). Love Sex Roles and Psychological Health, Journal of Personality Assessment, 42(6), 626-634, Digman, J. M. (1997). Higher Order Factors of the Big Five, Journal of Personality and Social Psychology, 73, 1246-1256.
- Fromm, Erich, Beyond the Chains of Illusion: My Encounter with Marx and Freud, London, Abacus, 1980.
- Freeney, J.A. & Noller, P. (1996). Adult Attachment, California: Sage Publication.
- Hendrick, S., & Hendrick, C. (2003). Romantic Love: Measuring Cupid's Arrow, In S.J. Lopez & C.R. Snyder (Eds.), Positive Psychological Assessment: A Handbook of Models and Measures (pp. 235-249). Washington, DC: American Psychological Association.
- Hendric, C. and Hendric, S. S. (1986). A Theory and Method of Love. Journal of Personality and Social Psychology, 50, (2), 392-402.